

به دنبال آن شاعره

لحظه‌های عاشقانه انتظار دوست، وقتی حریر شعر بر تن می‌کند، جلوه‌ای دیگر می‌یابد؛ به‌ویژه اگر این حریر در معرض موسیقی نسیم کلمات شاعره قرار گیرد، روح‌های عاشق را چون خود بی‌قرار می‌کند. آنچه لازم است شاعر بدان توجه کند تناسب میان مضمون شاعره، کلمات

گریه طولانی

بی تو شب سرد زمستانی‌ام می‌شود آیا که بسوزانی‌ام؟
آه، که دلتنگم از این روزها منتظر لحظه بارانی‌ام
حنجره ساکت من تشنه است تا غزلی ناب بنوشانی‌ام
پیکر سرمازده را می‌شود مخملی از شعله بیوشانی‌ام
زلزله چشم تو را دیده‌ام باز در اندیشه ویرانی‌ام
هیچ خیالی ز دلم جمع نیست ساکن دل‌های پریشانی‌ام
عشق در آغاز بود بی‌ثمر در عطش موسم پایانی‌ام
آه، من از وحشت رسوا شدن از نظر آینه پنهانی‌ام
سخت گرفته دل نومید من منتظر گریه طولانی‌ام
محض خدا خانه من پا گذار تا نگری بی‌سروسامانی‌ام
خیره به یک نقطه شدم سال‌ها آینه در آینه حیرانی‌ام

• رضا عبداللہی

شعر انتظار، تبسم بی‌تکرار

«انتظار» درخت سبزی است که بذر آن سال‌های سال است در دل‌های ما افشاندہ شده و این درخت دیرینه هم‌چنان سبز و پرتراوت است. دریاچه‌های بسیاری رو به باغ انتظار باز مانده و چشم‌های فراوانی خیره به این جاده سبز دوخته شده است.

انعکاس آینه

شروع می‌شود آغاز واپسین دیدار کنار پنجره‌های شکسته دیوار و من تو را به تماشا نشسته‌ام ای عشق بیا تمام دلت را کنار من بگذار
مشام جاده پر از انتظار خواهد شد اگر تو پا بگذاری سپید شب بیدار نگاه روشنت ای انعکاس آینه
تبسمی‌ست که هرگز نمی‌شود تکرار تو در قلمرو هفت‌آسمان نمی‌گنجی
زمین ز وسعت نام تو می‌شود سرشار برای زود رسیدن همیشه راهی هست کنار جاده‌گل‌ها، بهار را بردار

• محسن احمدی

روایت تازه از غربت

شعر دفاع مقدس، شعر تلخی‌های جنگ و مرور خاطرات گذشته نیست. هرچند هر دل عاشقی در سوگ یاران از دست‌رفته و فضیلت‌های فراموش شده خواه می‌گیرد، اما قرار نیست رنج غربت و دوری فقط در حاله‌ای از اندوه و مرثیه‌پردازی قرار گیرد. شاعر «حقیقت انسان» هرچند شعر را با مرثیه آغاز کرده است و از خود می‌پرسد:

حقیقت انسان

نشسته‌ایم در آتش کنار خاک شهیدان من و دو چشم پریشان، غروب و غربت و باران هوای مرثیه دارم، هوای بغض و شکستن غزل چگونه بخوانم در این هوای پریشان مگر تو شعر بخوانی که با صدای تو زیباست شنیدن غزلی تازه از زبان شهیدان چگونه در دل این خاک تیره جای گرفتی؟
زمین که جای ندارد برای این همه ایمان! چه باشکوه گذشتی و من چه ساده شکستم! چه ساده، مثل درختی که در تهاجم طوفان... به سنگ‌ها رد پای نمانده جز تب و تاول از آن شبی که غمت را سپردم به بیابان فرشته عشق نداند به قول خواجه شیراز اگر فرشته نخواند تو را حقیقت انسان من استغاثه سنگم و گرنه این دل کوچک در ابتدای غم تو رسیده بود به پایان

• ناصر فیض

واگویه‌های شاعرانه

واگویه و حدیث نفس را در بسیاری از شعرهای شاعران دیروز و امروز می‌توان یافت. این نوع شعرها را می‌توان منشوری دانست که از دو منظر، جلوه دارد: یکی «من» فرد، که خود شاعر است، و دیگری

«من» اجتماع، که شاعر بخشی از آن دریای عظیم است. آنچه تجربه شعر واگویه را موفق می‌دارد، اجتماعی شدن «من» شاعر است. شاعر «موسیقی مرموز تنهایی» از تلاش غریب وجود خود می‌گوید و دفن خاطرات تلخ، تجربه‌ای که هر انسانی می‌تواند و باید داشته باشد، استفاده از کلماتی که در حوزه فرهنگ و اجتماع‌اند اما فولکوریک‌اند، نشان از تلاش شاعر برای ساده و صمیمی شدن شعر دارد.

موسیقی مرموز تنهایی

شبی خود را به دست خویشتن غریب می‌کردم
تمام خاطرات ناخوشم را چال می‌کردم
یکی انگار از روی دل من پرده بر می‌داشت
و من بی‌پرده با رسوایی خود حال می‌کردم
چنان افتاده بودم در شب کیسوی افسونی
که هر افسانه را با عشق، استدلال می‌کردم
برایم زندگی یک لحظه، مفهوم غریبی شد
نگاه حیرت آینه‌ها را لال می‌کردم
دل‌پر بود از موسیقی مرموز تنهایی
تأمل در کبوترهای خونین بال می‌کردم

● شهرام مقدسی

من زنده‌ام به شعر ...

... و خانم نجمه زارع به ابدیت پیوست. شاعره‌ای که به مدد غزل‌های حسی و روان خود در ذهن ادبیات کشور و همچنین در خاطر شعردوستان زنده خواهد ماند. دست تقدیر تاریخ ولادت او را آذر سال ۶۱ و زمان درگذشت او را شهریور ۸۴ رقم زد. از او اشعار زلالی در موضوعات مختلف به یادگار

مانده است؛ از جمله، چهل و یک غزل عاشقانه که در دفتر شعر «عشق، قابیل است» آماده چاپ است. شاید بیشترین ویژگی اشعار دلنشین او حسی‌بودن آن‌ها باشد. احساس سرشاری که از روح زلال او خبر می‌دهد. شاعران سراسر کشور نام او را با آثار اهل بیتی، دفاع مقدس و عاشقانه‌اش به خاطر دارند و خواهند داشت. آخرین اثر او غزلی است سه بیتی و ناتمام که عرض ارادتی است به محضر حضرت رضا - علیه‌السلام - با عشقی که از این شاعره عزیز به اهل بیت سراغ داریم ان‌شاءالله این شعر را هم در همان عالم - که به واقع عالم بیداری است - به کامل‌ترین شکل در حضور خود حضرت ارائه می‌کند (ان‌شاءالله)

خاطرات گمشده

از خاطرات گمشده می‌آیم تابوتی از نگاه تو بر دوشم
بعد از تو من به رسم عزاداران غیر از لباس تیره نمی‌پوشم
در سردسیری از من بیهوده وقتی که پوچ و خسته و دلسردم
شب‌ها شبیه خواب و خیال انگار تب می‌کند تن تو در آغوشم
تکثیر می‌شوند و نمی‌میرند سلول‌های خاطرات در من
انگار مانده چشم تو در چشمم، لحن صدای گرم تو در گوشم
هرچند زیر این همه خاکستر آتش بگیر و شعله بکش در من
حتی پس از گذشت هزاران سال، روشن شو ای ستاره خاموش

● ● ●

بعد از تو شاید عاقبت من نیز مانند خواجه حافظ شیراز است
من زنده‌ام به شعر و پس از مرگم مردم نمی‌کنند فراموشم

● زنده‌یاد نجمه زارع

شاعر مضمون‌های رنگین

شاعر سبک اصفهانی (هندی) صاحب مضمون‌های رنگین و خیال‌پردازی‌های پیچیده و شاعرانه؛ بی‌گمان صائب تبریزی شایسته‌ترین شاعر سبک هندی برای این توصیفات است. حجم عظیم دیوان او هرچند انتخاب غزل‌های یکدست را مشکل کرده، اما از هر غزل او می‌توان چند بیت جذاب با مضمون شاعرانه و دلچسب پیدا کرد. دنیای صائب رنگارنگ است و پیچیده، البته گاهی متناقض! ممکن است در غزل او دو بیت پیدا کنید: یکی در دفاع از عشق و دیگری در رد آن، اما تعجب نکنید، چون او فقط دنبال مضمون‌سازی است!

این غزل، یکی از عاشقانه‌های صائب است، همراه با تصاویر جذاب و مضامین قشنگی که به مدد اغراق شاعرانه و قوت توصیف شاعر، به کمال شعری خود نزدیک شده‌اند. از نگاه او حباب‌های روی دریا مکتوب رازآلود اوست و تپش سراب صحرا، شرحی از بی‌قراری دل مجنون او. نکته جالب اینکه این شاعر مضمون‌پرداز از پرگویی خود در برابر شاعران نازک‌اندیش شرمگین است و ای کاش شاعران عصر ما نیز کمی چون او بودند!

شرح بی‌قراری

این سطرهای آه که هرجا نوشته‌ایم
از روی آن دو زلف چلیپا نوشته‌ایم
گاهی که حرف زلف و خط و خال گفته‌ایم
طومارها به عالم بالا نوشته‌ایم
نتوان هزار سال به طوفان نوح شست
شرخی که ما به دل ز تمنا نوشته‌ایم
هرچند نیست در دل ما نوشتنی
از اشک خود دو سطر به ایما نوشته‌ایم
ما شرح بی‌قراری مجنون خویش را
از موج‌ها سراب به صحرا نوشته‌ایم
هرچند غرقه‌ایم همان از حباب و موج
مکتوب سر به مهر به دریا نوشته‌ایم
رزق‌هزار خار در این دشت آتشین
پروانه‌های ابله پا نوشته‌ایم
صائب ز طبع نازک روشن دلان عهد
شرمند‌ایم و شعر به هرجا نوشته‌ایم

● صائب تبریزی